

شنبه‌های چالشی صبا؛ تریبونی آزاد برای اهالی فرهنگ و هنر

عملکرد سینمای ایران در عرصه بین‌الملل چگونه بوده است؟

رضا محقق (تهیه‌کننده):

باید سیاست را از سینما کنار بگذارند

سینما جدا از اینکه یک ابزار هنری برای انتقال پیام و سرگرمی است، همواره نقشی بسیار کلیدی در شناساندن فرهنگ یک ملت و جلای ذهن و روح مخاطبان دارد. سینمای ایران دهه‌ها است که توانسته در جشنواره‌های بین‌المللی به جایگاه درخشانی دست پیدا کند و در همین راستا بسیاری از آثار سینمای ایران اعم از سینمایی، کوتاه، مستند و انیمیشن در رویدادهای بین‌المللی موفقیت‌های بسیاری کسب کرده است. همچنین در این سال‌ها بسیاری از سینماگران ایرانی نیز به عنوان داور در جشنواره‌های بین‌المللی حضور داشته و همین مساله سبب شده است تا آثار و چهره سینمای ایران پیش از قبل در سطح جهانی شناخته شود. حال اینکه در یک دهه اخیر این روند درخشش آثار سینمای ایران در عرصه بین‌المللی همچنان ادامه دارد یا نه؛ در چالش این هفته روزنامه صبا به این پرسش مهم از سینماگران و منتقدان پرداخته‌ایم.

به نظر من در این ده سال گذشته اتفاق خاصی برای سینمای ایران نیفتاده که جدید باشد و شاید بزودی اتفاق بیفتد؛ دلیل آن هم مسائل سیاسی داخلی خودمان است. مناسبات سیاسی در فستیوال‌های جهانی سینمایی دخالت دارد. بخش دیگری نیز خود فیلم‌ها بوده‌اند که موجب شده ما شاهد دگرگونی جدی نباشیم. البته در این دهه اخیر چند اثر داشتیم که درخشان بودند، اما خروجی بین‌المللی را برای سینمای ایران به ارمغان نیاوردند. سیاست را باید از سینما کنار بگذارند؛ در همه جای دنیا هم نباید هنر را سیاسی کرد. شاید خیلی از مسائل سیاسی و دولتی خودش به سینما آسیب برسانند. شاید خیلی از کارهای ما که دیده نمی‌شوند کارهای خوب و فاخری هستند، اما همین مناسبات سیاسی باعث می‌شود اثر ما را کنار بگذارند. سینمای مستقل هم شامل کسانی است که خودشان در فستیوال‌ها ارتباطاتی دارند و کارهایی را انجام می‌دهند که به خود سینمای مستقل هم آسیب می‌زنند و این باید آسیب‌شناسی شود. در هر صورت فیلم‌هایی در آینده موفق خواهند شد که برای جهان، نگاه و درک امروز، مخاطب جهانی را بتواند درگیر کنند. پناه بردن به کارهای کلیشه‌ای و تکراری دیگر جواب نمی‌دهد! آن‌ها از ما خیلی جلوترند و آنقدر نگاه‌شان ریزین است که به راحتی می‌دانند یک فیلم اصلا در چه فستیوال‌هایی ثبت‌نام کرده است، نگرش و نگاه جهان فیلمسازی در دنیا تغییر کرده است. تمام حرفم این است، سینما را از خودش دور کرده‌اند حتی از اصالت فرهنگی خود نیز دور کرده‌اند و همین نگرش سیاسی بودن، سینمای ما را به ورطه حاشیه برده است.

محمد جلیوند (منتقد):

تمامی جوایز فستیوال‌های مهم در چهار دهه سهم ایران شد

حضور در جشنواره‌های خارجی یکی از لویتهای سینمای ایران از دهه ۶۰ تا به امروز بوده است. یعنی نزدیک به چهار دهه فیلم‌های زیادی در فستیوال‌های بین‌المللی شرکت کردند و تقریباً تمامی جوایز مهم را به خود اختصاص دادند؛ در فستیوال‌های معتبر و درجه الف مثل کن، ونیز، اسکار و لوکارنو تقریباً جایزه‌های نمانده سینمای ایران نگرفته باشد و بیشتر دلیلش هم به نوع نگرش فیلمسازی در سینمای ایران باز می‌گردد. همچنین قصه‌ها، سوژه‌ها و نوع پرداخت ما متفاوت بوده است. چیزی که سینمای دنیا کمتر داشته است، در ایران فیلمسازی به نوعی است که شبیه آن را کمتر در کشورهای دیگر می‌بینیم و به همین خاطر فستیوال‌های مختلف به سینمای ایران رو می‌آورند. اما در دهه گذشته این روند کندتر شده است و فیلم‌ها دیگر آن موفقیت قدیم را ندارند و مهم‌ترین دلیل آن می‌تواند تکراری شدن سوژه‌ها و فرم ساختاری فیلم‌هایی باشد که برای جشنواره‌ها فرستاده می‌شود. یعنی آثار دیگر آن تازگی را به ندرت دارند و داورها هم توجهی را که سال‌های پیش به این فیلم‌ها نشان می‌دادند در این یک دهه نشان ندادند. به همین خاطر اگر موفقیتی هم در این ده سال در جشنواره‌های جهانی رقم خورده کمتر از سال‌های قبل بوده است. اگر شخصی مثل اصغر فرهادی را از جمع فیلمسازان کنار بگذاریم می‌بینیم بقیه فیلمسازان ایرانی سهم کمی را از سبد جشنواره‌ها به خود اختصاص دادند و جایزه کمی بردند. فرهادی هم یک نمونه کاملاً متمایز است چرا که خیلی ارتباط مستقیمی با بدنه سینمای ایران ندارد و بیشتر تلاش شخصی این فیلمساز بوده که سبب جهانی

مردمی مانند آثار دفاع مقدس و انقلابی‌الذاد در ده سال گذشته هم باید دید که تحولات کشور چگونه بوده و نگاه سیاسی موثر در تصمیمات جشنواره‌ها نسبت به ایران تا چه حد نقش داشته است. به نظر بنده، کاهش فضای جشنواره‌زدگی در بین فیلمسازان جوان، موفقیت‌های جمهوری اسلامی ایران در چشم افکار عمومی، تقلیل جایگاه شبه روشنفکران در بین مردم به ویژه نسل مطالبه‌گر و مردمی امروز ایران، تقویت صحیح حمایت از آثار خاص مانند شکل‌گیری درست گروه هنر و تجربه و مواردی از این دست اگرچه باعث شده در طول دهه گذشته موفقیت سینمای ایران کمتر به نظر برسد، اما معتقدم در حال حرکت به سمت استقلال فرهنگی و نهادینه سازی جایگاه خود نزد فرهیختگان عدالت‌خواه و حقیقت‌جو در اقصی نقاط دنیا هستیم. من شک ندارم با کمی تحمل و تامل دوباره همه جشنواره‌های جهانی به سمت سینمای ایران روی خواهند آورد و این بار نه با توجه به آثار سیاه دلخواه خود، بلکه به آثار معنوی و ملی ایرانی با فرم‌های جذاب و بیان‌های نوین هنری.

شهرام حیدریان (تهیه‌کننده و انیمیشن‌ساز):

باید به گذشته رجوع و آن را احیا کرد

سینمای ایران هویت بین‌المللی مستحکمی دارد که طی چند دهه گذشته به تدریج کسب هویت کرده است. سینماگران نیز به شکلی ماراتن وار ورود کردند و یک به یک این چوب را به نفرات بعدی رساندند. در این بین یک شخصیت بعنوان سینماگر مولف ثبت شد و آن کسی نبود جز استاد کیارستمی فقید. وقتی یک قله جهانی بنام سینمای ایران فتح و ثبت شود الباقی هنرمندان این مسیر را مکرر طی می‌کنند. دهه اخیر از این قاعده مستثنی نبوده و آنچه شکل گرفته منشعب از طرق طی شده نیست هر چند وقایع اجتماعی در آن نقش چشمگیری داشته است. سینما متأثر از آنچه که در جامعه اتفاق می‌افتد، است و آن را به شکل تصویری در قالب روایت بیان می‌کند. در یک مقطعی تصویر دیگری از ایران در شکل و شمایل جهانی شکل گرفته بود و شاخصه این کار عباس کیارستمی بود که نوعی سادگی

شدنش شده است. به نظر می‌رسد اگر سینمای ایران بخواهد در جشنواره‌های جهانی موفق شود و اکران‌های هر چند محدود در کشورهای مختلف داشته باشد و به لحاظ اقتصادی به بنیه سینمای ایران کمک کند، باید به سمت و سوی تازه‌تری برود.

حتی اگر سوژه‌ها به نوعی تکراری هم باشند باید در پرداخت جبران کنند و اگر هم این مسیر ادامه پیدا کند به نظر می‌رسد سینمای ایران در جشنواره‌های جهانی دیگر موفقیتی را که سالیان پیش بدست می‌آوردند، به دست نخواهند آورد.

سعید الهی (کارشناس و تهیه‌کننده سینما):

سینما در حال حرکت به سمت استقلال فرهنگی است

در طول ۴۵ سال گذشته یعنی از پیروزی انقلاب اسلامی به این سو، درخشش سینمای ایران در عرصه جهانی انکارناپذیر است. این موفقیت ناظر بر همه و جوه سینمای ایران است و لزوماً محدود به آثاری که مورد تایید حاکمیت باشد نیست؛ چرا که من معتقدم در میان انبوهی از فعالیت‌های هنری در سراسر جهان، سینما فارغ از نگاه‌های سیاسی، به عنوان یک ابزار رسانه‌ای، برای معرفی فقط نام یک سرزمین به مردم دنیا کفایت می‌کند و این امر به واسطه تلاش هنرمندان و سیاستگذاران دربار ایران تاکنون رخ داده و موجب افتخار همه ماست. اما نکته مهم کیفیت محتوایی تصویری در آثار ایرانی است که نشان داده می‌شود و این موضوع به فهم و برداشت فیلمساز از موقعیتی زیستی او در این جامعه شکل می‌گیرد. سینمای ایران از این منظر در طول دهه‌های گذشته فراز و نشیب بسیاری را طی کرده و می‌توان گفت به تناسب فضای داخلی کشور و نگاه سیاسیون خارجی به ایران، حضور سینمای ما در جشنواره‌ها و رویدادها نیز دستخوش تحولات و چالش‌های بسیاری قرار گرفته است. چه بسا در مقطعی فیلم‌های کاملاً سیاه و تلخ به لحاظ اقتصادی در زمان جنگ تحمیلی در جشنواره‌ها مورد تحسین قرار می‌گرفتند و در مقطعی دیگر فیلم‌های شاعرانه و مفهومی و دوباره در زمانی فیلم‌های اجتماعی پرچالش و البته در هیچ زمانی فیلم‌های بومی و